

تذیری دیگر در آیه موت

قسمت دوم

تقریر بحث: آیت اللہ شیخ محمدرضا جعفری

نگارش: عبد اللہ رضاداد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در نخستین قسمت این گفتار بیان کردیم که آیه بیست و سوم سوره مبارکه «شوری» به آیه مودت شهرت دارد و فصلی در خصوص معنای کلمه «مودت» و تفاوت «مودت» و «وُدّ» و نیز تمیز مفهوم «مودت» از «محبّت» سخن گفتیم. اینکه به یاد کرد مفاهیم تفسیری آیه مزبور بپردازیم:

یکی از غفلت‌هایی که درباره این آیه کریمه غالباً پیش می‌آید عبارت است از اینکه با تقطیع جملات و فرازهای مختلف، پیوستگی معنوی آن را مخدوش می‌دارند. برای تبیین این موضوع و تعریف دقیق غفلتی که به آن اشاره شد، لازم است ابتدا انواع پیامهای نهفته در آیه مذکور مورد مذاقه قرار گیرد. بنگرید:

﴿ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ﴾

«این همان است که خداوند به بندگانش نوید داده است»

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾

«(بندگان او) آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند»

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾

«ای پیامبر! بگو بر آن کار از شما پاداشی نمی‌خواهم، مگر دوستداری در حق نزدیکان (اهل بیتم)»

﴿وَمَنْ يَفْتَرِ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا﴾

«و هر کس (اهتمام کند تا) کرداری نیک بدست آورد برای او در آن حسنه، نیکی دیگری بیفزاییم»

﴿إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾^۱

«همانا خداوند، آمرزگارِ قدردان است»

ملاحظه می‌شود که پنج مفهوم در آیه مورد بحث خودنمایی می‌کند و همه به یکدیگر انضمام و پیوستگی دارد، که نوعاً از این میان فقط به مفهوم سوم به عنوان «آیه مودت» تصریح می‌شود و این امر موجب می‌گردد تا بسیاری از عناصر مهم معنایی در آیه کریمه، مورد بی‌اعتنایی و فراموشی قرار گیرد، اما سخن اساسی تر آنکه فهم بهتر و کاملتر نسبت به آیت مزبور آنگاه میسر خواهد بود که ابتدا آیات ۲۱ و ۲۲ سوره شوری نگریسته شود و سپس مفاهیم مندرج در آیه ۲۳ (آیه مودت) مورد بازنگری واقع گردد، و ما نیز بر همین مبنا بحث خود را پی می‌گیریم:

﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنَ بِهِ اللَّهُ﴾

«آیا برای آنان شریکانی است که در آنچه خداوند به آن اجازه نداده، بنیاد آیینی برایشان نهاده‌اند؟!»

﴿وَلَوْلَا كَلِمَةٌ أَفْضَلَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ﴾

«و اگر آن کلمه فصل درباره تأخیر عذاب در کار نبود، مسلماً میانشان داوری می‌شد»

﴿وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾

«و البته برای ستمکاران عذابی دردناک فراهم است»

۱. سوره شوری، آیه ۲۳.

﴿تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا﴾

«ستمگران را می بینی که نسبت به آنچه انجام داده اند بیمناکند»

﴿وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ﴾

«و بی تردید کیفر کردارشان به آنان خواهد رسید»

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ﴾

«و آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، در باغهای بهشت اند»

﴿لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾

«هر آنچه را که خواهند نزد پروردگارشان بیابند»

﴿ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ﴾

«آن همان بخشایش (خداست که) بس بزرگ است»^۱

به نظر می رسد هرگاه خواننده هوشمند این گفتار، لختی در کلام و پیام الهی بیندیشد، شفافیت آیات ذکر

شده چنان است که پرده از رخسار حقیقت برمی دارد. در آیه ۲۱ سخن از بدعت بزرگی است که از جانب

بدعت گزاران در دین خداوند پدیدار گشته و موجب تحریف سنگین و شکننده در اصول و مبانی آن شده است:

﴿شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنَ بِهِ﴾؛ دستهای پلید غیر مُجاز به کار آمده و حقیقت بزرگی را از دین حذف

۱. سوره شوری، آیات ۲۱ و ۲۲.

و باطلی را به لباس حق آراسته و بر جای آن نشانده‌اند، در حالیکه هرگز این اقدام از سوی خداوند،

مشروعیت نداشته است: ﴿مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ﴾

البته به رغم تلاش شوم تحریف‌گران، خداوند حجّت‌های خویش را آشکار ساخته و در پرتو نعمت هدایت، راه را از بیراهه عیان داشته است؛ و این همان کلمه فصل است که وجود و حضور آن پیام‌آور نعمت و امید و فقدان آن موجب نقت و عذاب خواهد بود.

از این رو فرمود: ﴿وَلَوْلَا كَلِمَةٌ أَفْضَلَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ﴾ اگر آن کلمه «فصل» در کار نبود، همانا فرمان قاطع از

سوی خداوند مبنی بر کیفر ستمگران شرف صدور می‌یافت!

با این حال، انتقام الهی در راه است و کسانی که نسبت به این «کلمه فصل» ستم ورزیده‌اند، بی‌تردید به

کمینگاه عذاب مبتلا خواهند شد: ﴿وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾؛ و برای ستمگران عذاب دردناک در انتظار

است.

صحنه‌ای که در این میان بس دیدنی است، رویارویی این ستم‌پیشگان با کیفر و انتقام الهی است. آنان از

يك سو به تباهی‌های اعمال خود می‌نگرند: چراغ حقیقی را که خاموش کرده، حق بزرگی را که از ولی خدا

غصب نموده، اموالی را که از اولیای خدا به تاراج برده، آبروهایی را که بر باد داده، حرمت‌هایی را که هتك

کرده و خون‌هایی را که به ناحق از عترت پیامبر و مؤالیانشان بر خاک ریخته ... و از دیگر سو شراره‌ای آتشی

را می‌بینند که سویشان شعله کشیده و فرشتگان عذاب را که آماده اجرای فرمان الهی می‌باشند، این جاست که

سایه‌ای سنگین از بیم و هراس، آنان را فرا می‌گیرد: ﴿تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا﴾؛ ستمکاران را می‌بینی که نسبت به آنچه انجام داده‌اند، خائف و ترسانند!

و البته باید بدانند که گریزگاهی در پیش رویشان نیست و به فرجام تباهی‌های کردارشان قطعاً گرفتار خواهند آمد: ﴿وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ﴾.

اما اهل ایمان که به پیمان خویش با امام خود پای ورزیده و به ریسمان قرآن و عترت همچنان تمسک جسته و گوهر عقیده توحیدی را با زیور عمل صالح آراسته، در این روز به سراپرده نعمت و نور گام می‌نهند و به باغهای فردوس درمی‌آیند: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ﴾

آنگاه هر آنچه را که بخواهند، افزون از ظرف خواسته و آرزو و فراتر از حدّ رغبت، و همسنگ فضل و بخشایش پروردگارشان نزد خداوند خواهند یافت:

﴿لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ﴾

اکنون به منظور آنکه مفاهیم مندرج در آیات ۲۱ و ۲۲ هر چه معلوم‌تر گردد، روایت ذیل را از تفسیر

«علی بن ابراهیم قمی» به نقل از تفسیر «نور الثقلین» از امام باقر العلوم (علیه السلام) می‌آوریم:

فی تفسیر علی بن ابراهیم و قوله عزّ وجلّ: «وَلَوْ لَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ».

قال: الْكَلِمَةُ الْإِمَامُ، والدليل على ذلك قوله عزّ وجلّ: ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ یعنی

الإمامة.

ثُمَّ قَالَ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَإِنَّ الظَّالِمِينَ﴾ يعنى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَذِهِ الْكَلِمَةَ ﴿لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾.

ثُمَّ قَالَ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿تَرَى الظَّالِمِينَ﴾ يعنى الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ حَقَّهُمْ، ﴿مُشْفِقِينَ

مِمَّا كَسَبُوا﴾ أَي خَائِفِينَ مِمَّا ارْتَكَبُوا وَعَمِلُوا؛ ﴿وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ﴾ مِمَّا يَخَافُونَهُ.

ثُمَّ ذَكَرَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ ﴿الَّذِينَ آمَنُوا﴾ بِالْكَلِمَةِ وَاتَّبَعُوهَا فَقَالَ: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ

الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ * ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ «بِهِدِهِ

الْكَلِمَةِ» وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ﴿مِمَّا أَمَرُوا بِهِ﴾^۱

امام محمد بن علی الباقر (علیه السلام) در توضیح نسبت به این آیه شریفه: ﴿وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ...﴾

می فرماید: مقصود از «کلمه فصل»، امام معصوم است و دلیل این سخن آیه شریفه ای^۲ است که خداوند

می گوید: «و آن را کلمه ای ماندگار در نسل او (ابراهیم) قرار داد، باشد که به راه آیند» در این آیه نیز منظور

از کلمه ماندگار، «امامت» است!

امام باقر (علیه السلام) می افزاید:

سپس خداوند - توانمند و شکوهمند بادا - می فرماید: «و همانا ستمگران...» و آنان کسانی هستند که به

این کلمه ستم نموده اند، البته برای ایشان عذاب دردناکی است!

۱ . تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۷۰، روایت ۵۸.

۲ . سوره زخرف، آیه ۲۸.

و باز خداوند چنین گوید: «ستمکاران را ببینی...» یعنی کسانی که نسبت به حق پیامبر و دودمان او - که سلام خدا بر او و ایشان باد - ستم کرده‌اند، و بس ترسانند از آنچه انجام داده‌اند و البته قطعاً به فرجام شوم کردارهای خویش گرفتار خواهند آمد.

آنگاه خداوند از اهل ایمان یاد می‌کند، یعنی همانا که به امام معصوم گرویدند و از او فرمان بُردند. و درباره‌شان می‌فرماید:

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، در باغهای بهشتند و هر آنچه را بخواهند، نزد پروردگارشان بیابند و این همان بخشایش بزرگ، و نوبدی است که خداوند به بندگان خویش مژده داده است و بندگان او آناند که به امام (علیه السلام) گراییده و به فرمان او سر تسلیم و اطاعت نهاده‌اند. به این ترتیب آیات بیست و یکم و بیست و دوم سوره شوری افقی را پیش روی حرکت آدمیان ترسیم می‌کند و ایشان را به پیروی از پیشوای معصوم و منصوب از جانب خداوند تشویق و ترغیب و نسبت به نافرمانی و سرکشی حُکم او تحذیر می‌نماید، سپس در آیه بیست و سوم می‌فرماید:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾

برای فهم این فراز از آیه شریفه باید معلوم شود مرجع ضمیر «ه» در «عَلَيْهِ» چیست؟

ابتدائاً شاید به نظر برسد مقصود «رسالت» پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است، یعنی آنچه را که

رسول خدا از امت طلب نموده به عنوان باداشی نسبت به رسالت خویش مقرر داشته است؛ اما اگر این جمله

شریفه با جمله پیشین در نظر گرفته شود، شاید نتیجه دیگری حاصل آید. بنگرید:

﴿ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾

خداوند نخست سرانجام نیکوی پویندگان طریق عبودیت خویش را به ایشان بشارت می دهد؛ به بندگان

خود می گوید که باور کن و یقین بدان که فردایت این چنین است؛ سرشار از خیر، انباشته از سرور، و هر چه

بخواهی برایت فراهم می باشد ... آنگاه از همین وارستگان متقابلاً می خواهد که به پاس آن بخشش بزرگ -

همان فضل کبیر - که نسبت به شما ارزانی داشتیم، باید «مودت» خود را در «القربی» قرار دهید.

بنابراین هر کس می خواهد از آن «فضل» برخوردار باشد، باید به اداء این «اجر» التزام داشته باشد، و اگر

در اداء این «اجر» قصور یا تقصیر ورزد، نیل به آن «فضل» برایش میسور نخواهد بود.

نتیجه آنکه ضمیر «ه» در «عَلَيْهِ»، مرجع خویش را در کلمه «ذَلِكَ» می یابد:

﴿ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ ...﴾

۱. ﴿ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ﴾ (آیه ۲۲، سوری).

از این رو هر کس نه چنین کند، و اجر مورد درخواست خداوند را واقعی ننهد، و «مودت» خود را به «الْقُرْبَى» اختصاص ندهد، در حقیقت شایستگی برخورداری از آن «فضل کبیر» را از دست خواهد داد و این به آن معناست که چنین کسی گوهر ایمان و عمل صالح را فاقد گشته است!

خواننده ارجمند و هوشیار این گفتار توجه دارد که ما در بحث خود کوشیده‌ایم تا با حفظ توالی مفاهیم آیات ۲۱ تا ۲۳ سوره مبارکه «شوری» و نیز حفظ پیوستگی اجزاء آیه بیست و سوم این سوره، به استنباط تفسیری از آیه مودت بپردازیم، اما اگر این توالی و پیوستگی مورد نظر نباشد، ممکن است نتایج دیگری نیز از آیات شریفه مستفاد گردد، چنانچه روایت ذیل از امام صادق (علیه السلام) ناظر بر این معنی است:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ

سَلَّمَ): ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ:

أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ فَرَضَ لِي عَلَيْكُمْ فَرَضًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُؤَدُّوهُ؟ قَالَ: فَلَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ مِنْهُمْ!

فَانصَرَفَ؛ فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْعَدِّ قَامَ فِيهِمْ فَقَالَ مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ قَامَ فِيهِمْ فَقَالَ مِثْلَ ذَلِكَ فِي الْيَوْمِ الثَّلَاثِ فَلَمْ يَتَكَلَّمْ أَحَدٌ!

فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ وَلَا مَطْعَمٍ وَلَا مَشْرَبٍ؛ قَالُوا: فَأَلْقَهُ إِذَا، قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى

أَنْزَلَ عَلَيَّ ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ قَالُوا: أَمَّا هَذِهِ فَنَعَمْ؛ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام):

فَوَاللَّهِ مَا وَفَىٰ بِهَا إِلَّا سَبْعَةٌ نَّفَرَ: سَلْمَانٌ وَأَبُو ذَرٍّ وَعَمَّارٌ وَالْمِقْدَادُ ... وَجَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَمَوْلَى لِرَسُولِ اللَّهِ يُقَالُ لَهُ

«الثبت» وَزَيْدُ بْنُ أَرْقَمٍ.»^۱

امام ابو عبدالله جعفر صادق از پدران بزرگوارش - سلام خدا بر آنان - چنین روایت می‌کند:

هنگامی که آیه ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرود آمد، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) حاضران را مخاطب ساخت و فرمود:

ای مردم! خداوند شما را به وظیفه‌ای واجب نسبت به من موظف فرموده است، آیا آن را ادا می‌کنید؟ امام فرمود: اما هیچ کس پیامبر را پاسخ نگفت، رسول خدا نیز آن روز موضوع را پیگیری نفرمود. فردا روز بار دیگر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در جمع یاران برخاست و سخن خود را تکرار نمود، و نیز روز سوم؛

باز اصحاب سخن رسول خدا را پاسخ نگفتند، در این حال پیامبر فرمود:

ای مردم! آن وظیفه واجب طلا و نقره نیست، طعام و شراب نیست (کنایه از اینکه اداء آن برایتان مؤونه و

هزینه ندارد و من از شما مال نمی‌خواهم)، اصحاب گفتند: اینک بیان کن! پیامبر فرمود:

به خدا سوگند جز هفت تن کسی به عهد خود وفا ننمود؛ و آن هفت نفر عبارت بودند از: سلمان، ابوذر،

عمار، مقداد، جابر بن عبدالله، برده آزاد شده پیامبر بنام «ثبت» و زید بن ارقم.

۱. تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۷۰، روایت ۵۹ به نقل از قرب الاسناد حمیری.

از مجموع آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد اهمیت و عظمت موضوع «مودّت» تا حدودی روشن شده باشد.

اکنون تدبّر در این آیه شریفه را به نکته دیگری معطوف می‌داریم و آن عبارت است از:

﴿الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ یعنی محبّت ثابت و پایدار «در» خویشاوندان! به این تعبیر دقت کنید: محبّت «در

خویشان» نه «به خویشان».

توضیح آنکه فعل ودّ، یودّ، مودّ «متعدی به نفس» است، و موارد استعمال آن نیز در زبان عربی حکایت

از این امر دارد، نظیر آنکه گفته شود:

«أودك وداً كثيراً»

تو را بسیار دوست می‌دارم

«وددتُ الجنةَ فعملتُ عملها»

بهشت را دوست دارم بنابراین آنطور که شایسته است برای آن می‌کوشم.

یا آیات کریمه قرآن همانند:

﴿رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ﴾^۱

﴿وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً﴾^۲

۱. سوره حجر، آیه ۲.

۲. سوره نساء، آیه ۸۹.

در این صورت اگر بخواهیم به فعل مزبور بار دیگر تعدیه بدهیم، باید از حرف «ل» استفاده کنیم و بگوییم:

المَوَدَّةِ لِلْقُرْبَى، محبت برای قری و خویشان. اما آیا آیه کریمه نیز چنین گفته است؟! نه، قرآن می‌فرماید:

المَوَدَّةِ لِلْقُرْبَى، محبت در خویشان نزدیک!

آری، می‌خواهیم در این نکته تدبر کنیم و بنگریم آیا اساساً تفاوتی در این دو سخن وجود دارد؟ و اگر

پاسخ این پرسش مثبت است، آن تفاوت چیست؟

به فضل خداوند بزرگ در گفتار بعد به این موضوع خواهیم پرداخت.